

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ الْعَصْرِ رَحِمَكَ

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

فروست

شابک

وضعیت فهرست نویسی

یادداشت

یادداشت

موضوع

احسانی فر، محمد مهدی، ۱۳۶۱-

ملاک‌های اعتبارسنجی منابع حدیث شیعه/ محمد مهدی احسانی فر.

قم: نشر معارف اهل بیت الطاهرین علیهم السلام، ۱۴۰۴.

۴۰۷ ص.

اعتبارسنجی حدیث؛ ۵. نشر معارف اهل بیت علیهم السلام؛ ۹۶

۳-۴۷-۵۶۶۳-۶۲۲-۹۷۸

فیپا

ص.ع. به انگلیسی: Muhammad Mahdi Ehsani far.

Validation criteria of shia Hadith sources

کتابنامه: ص. [۳۸۵]-۴۰۷.

حدیث -- صحت و حجیت

Hadith -- Evidences, authority, etc.

احادیث شیعه -- نقد و تفسیر

Hadith (Shiites) -- Texts -- Criticism, interpretation, etc.

احادیث صحیح

Hadiths, Authentic*

حدیث -- علم الرجال

Hadith -- 'Ilm al-Rijal*

نشر معارف اهل بیت الطاهرین علیهم السلام

BP۱۱۴

۲۹۷/۲۶۴

۱۰۰۳۰۹۵۳

شناسه افزوده

رده بندی کنگره

رده بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی



ملاک های اعتبار سنجی منابع حدیث شیعه

محمد مهدی احسانی فر

پژوهشکده معارف اهل بیت علیهم السلام

۱۴۰۴

ملاک‌های اعتبارسنجی منابع حدیث شیعه

محمد مهدی احسانی‌فر

پژوهشکده معارف اهل بیت علیهم السلام

ناشر: نشر معارف اهل بیت الطاهرین علیهم السلام
چاپ: اشراق نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۴ ش
شمارگان: ۵۰۰ نسخه

تمام حقوق محفوظ است.

مرکز پخش

قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران،
طبقه همکف، پلاک ۱۱، تلفن: ۳۷۸۴۲۴۴۳-۰۲۵

فهرست

۱۳.....	سخن پژوهشکده.....
۱۷.....	پیشگفتار.....
۲۱.....	مقدمه استادان.....
۲۲.....	مقدمه حجت الاسلام والمسلمین سید محمدکاظم طباطبائی.....
۲۴.....	مقدمه حجت الاسلام والمسلمین محمد احسانی فر.....
۳۱.....	مقدمه.....
۳۲.....	الف) شناخت موضوع.....
۳۲.....	ب) پرسش‌ها و فرضیه‌ها.....
۳۳.....	ج) ضرورت و هدف.....
۳۵.....	د) پیشینه و نوآوری.....
۳۷.....	ه) مشکلات و محدودیت‌ها.....
۳۸.....	و) نتایج علمی و عملی.....
۳۹.....	ز) روش پژوهش و نگارش.....
۴۱.....	ح) ساختار پژوهش.....

بخش نخست: سرآغاز و زیرساخت‌ها/ ۴۳

۴۷.....	فصل یکم: بازشناسی مفاهیم.....
۴۷.....	الف) منبع.....
۴۷.....	۱. منبع در لغت.....
۴۸.....	۲. گونه‌های حدیث از حیث نگارش.....
۵۱.....	۳. لزوم تأسیس مصطلح «منبع» و نگاهی به وضعیت آن در گذشته و حال.....
۵۷.....	چند پرسش و جمع‌بندی.....
۵۹.....	ب) حدیث.....
۶۱.....	ج) شیعه.....

فصل دوم: چرایی و بهره‌ها.....	۶۳
الف) چرایی و ضرورت‌ها.....	۶۳
۱. همراهی با سیره عقلا.....	۶۳
۲. منبع، یکی از سه رکن اعتبارسنجی حدیث در بازه تاریخ.....	۶۴
۱.۲. سند.....	۶۴
۲.۲. متن.....	۶۷
۳.۲. منبع.....	۶۸
۳. توجه بسیار علما به نقش منبع در سنجش اعتبار حدیث.....	۷۰
۴. تفاوت نویسندگان و روش‌هایشان.....	۷۱
۵. آسیب‌های متوجه حدیث در درازای تاریخ.....	۷۳
پاسخ به چند پرسش.....	۷۶
ب) اهداف.....	۸۲
۱. شناسایی ملاک‌های اعتبارسنجی منابع.....	۸۲
۲. ارائه الگویی نخستین برای اعتبارسنجی منابع.....	۸۳
۳. تأمین یکی از مقومات اعتبارسنجی حدیث.....	۸۳
۴. زمینه‌سازی برای ارزش‌گذاری منابع حدیثی و عبور از تفاوت‌ها و آسیب‌ها.....	۸۴
۵. زمینه‌سازی برای شناخت جایگاه هر منبع در فرهنگ‌سازی.....	۸۵
ج) بهره‌ها.....	۸۷
۱. ارائه تعریفی کاربردی برای «منبع».....	۸۷
۲. ارتقای تعریف «حدیث».....	۸۸
۳. کشف معنای «اعتبار کتاب» در نظر قدما.....	۸۸
۴. طرح موضوع «تبا‌نامه» و «شناسنامه حدیث».....	۸۹
۵. طرح بحث و ارتقای نظری الگوی «حدیث‌سنجی سه وجهی».....	۹۰
۶. پرداختن به بخش کمتر پرداخته‌شده نظام دید قدما در اعتبارسنجی حدیث.....	۹۰
۷. تبیین برخی از تفاوت‌های تاریخ حدیث شیعه در دوران قدما و متأخران.....	۹۱
۸. دست‌بندی «شهرت» و ابعاد کاربردی آن.....	۹۲
۹. پرداختن به موضوع «پالایش حدیث».....	۹۲
۱۰. ارائه گزاره‌هایی برای دانش «نسخه‌شناسی حدیث».....	۹۳
فصل سوم: جایگاه منبع در اعتبارسنجی حدیث.....	۹۵
الف) تقدم تاریخی این رکن و چرایی آن.....	۹۵
۱. نگاشته‌شدن برخی از اصول در مجالس معصومان علیهم‌السلام	۹۶
۲. نگاشته‌شدن برخی از اصول در مجالس درس شاگردان ائمه علیهم‌السلام	۹۷

۳. تفاوت جایگاه راویان و نویسندگان نخستین با یکدیگر.....	۹۷
۴. امکان احراز اصالت مطلق نسخه در دوران قدما.....	۱۰۱
۵. امکان احراز اعتبار کتاب و معنای آن.....	۱۰۲
۱.۵ اعتبار کتاب به معنای اعتبار تک تک احادیث درون آن.....	۱۰۳
۲.۵ اعتبار کتاب به معنای طریق معتبر و نویسنده معتمد.....	۱۰۴
۳.۵ اعتبار کتاب به معنای شهرت کتاب و نسخه.....	۱۰۶
۶. وجود کتب معیار.....	۱۰۹
۷. مجتمع بودن شیعه و آثار آن.....	۱۱۱
ب) اهتمام عالمان به منابع حدیثی.....	۱۱۲
ج) کم رنگ شدن این رکن و چرایی آن.....	۱۱۶
۱. پرزنگ شدن نقش سند و چرایی آن.....	۱۱۶
۲. مخالفان تقسیم جدید و دلایلشان.....	۱۱۹
۳. دسترسی یا عدم دسترسی به ملاک های اجتهادی قدما.....	۱۲۳
د) نقش متن در اعتبارسنجی حدیث.....	۱۲۵
ه) نیاز امروزی به اعتبارسنجی منابع.....	۱۲۶

بخش دوم: ملاک های اعتبارسنجی منابع حدیث شیعه / ۱۲۹

فصل یکم: ملاک های کتاب پایه.....	۱۳۳
الف) قدمت کتاب.....	۱۳۴
۱. دوره معصومان ع	۱۳۵
۲. آغاز غیبت کبرا تا نیمه قرن پنجم هجری.....	۱۴۰
۳. نیمه دوم قرن پنجم تا پایان هفتم هجری.....	۱۴۲
ب) شهرت کتاب.....	۱۴۴
۱. شهرت فراگیر.....	۱۴۶
۱.۱. شهرت از جهت اعتبار.....	۱۴۸
۲.۱. شهرت کاربردی.....	۱۵۲
۲. شهرت خاص.....	۱۵۸
ج) روشن بودن هویت کتاب.....	۱۵۹
۱. روشن بودن هویت نویسنده.....	۱۵۹
۲. صحت انتساب کتاب به نویسنده.....	۱۶۲
۳. تمیز و توحید کتاب نسبت به مشابهات و مختلفات.....	۱۶۵
۱.۳. مراجعه به کتاب های فهرست.....	۱۶۹
۲.۳. یافتن اطلاعات هویتی منبع در چند کتاب مشهور.....	۱۷۰

۱۷۰	۳.۳. تحقیق در آساند درون کتاب
۱۷۱	۴.۳. تحقیق در متن کتاب
۱۷۲	د) عبور کتاب از پالاینده‌های حدیث
۱۷۳	۱. مدیریت معصومان علیهم‌السلام برای پالایش حدیث
۱۷۵	۱.۱. تشویق به فراگیری و حفظ حدیث
۱۷۶	۲.۱. تشویق به نگارش حدیث و حفظ کتب
۱۷۶	۳.۱. تشویق به ملاقات اصحاب و مذاکره حدیث
۱۷۷	۴.۱. تشویق به روایت و آموزش حدیث
۱۷۸	۵.۱. تأکید بر امانتداری در نقل حدیث
۱۷۹	۶.۱. تأکید بر بیان مقاصد حدیث
۱۷۹	۷.۱. تکذیب و تصدیق حدیث
۱۸۰	۸.۱. تأیید کتاب‌های اصحاب
۱۸۰	۹.۱. تجویز عمل به کتاب‌های اصحاب
۱۸۱	۱۰.۱. تربیت شاگردان کارآموزده و تعیین مراجع معتمد برای مردم
۱۸۲	۱۱.۱. معرفی کاذبان و فاسدان و نهی از نشست و برخاست با آنان
۱۸۳	۱۲.۱. معرفی معیارهای شناخت حدیث صحیح و سقیم
۱۸۵	۲. تأیید نواب خاص
۱۸۷	۳. تأیید بزرگان اصحاب
۱۸۹	۱.۳. رعایت امانت در تحصیل و ادای حدیث
۱۹۰	۲.۳. نقل روایات از افراد مورد اعتماد و عالم به حدیث (مشایخ و استادان)
۱۹۱	۳.۳. اعتماد و معرفی کتب معروف و معتبر اصحاب ائمه علیهم‌السلام
۱۹۱	۴.۳. تکثیر نسخه‌های کتاب‌ها
۱۹۲	۵.۳. توجه به اهلیت مخاطب
۱۹۲	۶.۳. اعلام نام راویان موثق و غیر موثق
۱۹۳	۴. تأیید افراد سخت‌گیر در حدیث
۱۹۷	۵. مقبولیت کتاب در حوزه‌های حدیثی قم و بغداد
۲۰۱	ه) قوت نسخه
۲۰۲	۱. قدمت نسخه
۲۰۴	۲. شهرت نسخه
۲۰۵	۳. طریق معتبر نسخه
۲۰۸	۴. وقوع نسخه و کتاب در سلسله اجازات
۲۱۲	۵. تعدد نسخه
۲۱۳	۶. شهرت و جایگاه علمی مستنسخان

۲۱۴	۷. کیفیت ظاهری نسخه
۲۱۵	۱.۷. کامل بودن نسخه
۲۱۶	۲.۷. صحیح بودن واژگان
۲۱۶	۳.۷. پاکنویس بودن نسخه
۲۱۷	۴.۷. خوش خطی و خوانا بودن نسخه
۲۱۸	۵.۷. خالی بودن از دیگر اشکالات نسخه‌ای
۲۱۸	و) منابع کتاب
۲۱۹	۱. کیفیت منابع
۲۲۰	۲. کمیت منابع
۲۲۱	۳. تناسب منابع
۲۲۳	ز) ویژگی‌های مجمل
۲۲۵	فصل دوم: ملاک‌های مؤلف‌پایه
۲۲۷	الف) جایگاه علمی نویسنده
۲۳۱	۱. شهرت علمی
۲۳۴	۲. حوزه حدیثی
۲۳۵	۱.۲. حوزه محل تحصیل
۲۳۷	۲.۲. حوزه‌های حدیثی مرتبط
۲۳۹	۳. استادان
۲۴۰	۴. تدریس و شاگردان
۲۴۱	۵. دوستان علمی
۲۴۱	۶. آثار
۲۴۲	۱.۶. کیفیت آثار
۲۴۳	۲.۶. کمیت آثار
۲۴۴	۷. فقاہت
۲۴۶	۸. فهم روایات مشکل
۲۴۷	ب) شئون علمی نویسنده
۲۴۷	۱. تمرکز بر کار علمی
۲۴۹	۲. تخصص نویسنده
۲۵۱	۱.۲. ارتباط کتاب با تخصص نویسنده
۲۵۱	۲.۲. شهرت کتاب در موضوع تخصصی نویسنده
۲۵۲	۳. مسافرت‌های علمی
۲۵۴	ج) اهتمام نویسنده به کتاب

۲۵۴	۱. صرف زمان بیشتر.....
۲۵۵	۲. تألیف کتاب در سنین داشتن تجربه علمی.....
۲۵۵	۳. شیوه تحمل برتر حدیث.....
۲۵۶	۱.۳. سماع.....
۲۵۶	۲.۳. قرائت.....
۲۵۷	۳.۳. اجازه.....
۲۵۷	۴.۳. کتابت.....
۲۵۸	۵.۳. مناووله.....
۲۵۹	۶.۳. وصیت.....
۲۶۰	۷.۳. اعلام.....
۲۶۰	۸.۳. وجاده.....
۲۶۱	۴. استناد مطالب.....
۲۶۳	۵. جامعیت کتاب در موضوع خود.....
۲۶۵	۶. داشتن عناصر مقدمه و خاتمه.....
۲۶۷	۷. بر عهده گرفتن صحت مطالب کتاب.....
۲۷۱	۸. تبلیغ علمی کتاب.....
۲۷۲	د) محیط زندگی نویسنده.....
۲۷۲	۱. فرهنگ عمومی جامعه.....
۲۷۳	۲. فرهنگ حدیثی جامعه.....
۲۷۳	۱.۲. تأثیر عصر جاهلی بر مردم دوران رسول الله ﷺ.....
۲۷۴	۲.۲. دستور خلفا به نابودی حدیث.....
۲۷۵	۳.۲. آزادی حدیث در دوران حکومت امام علی علیه السلام.....
۲۷۵	۴.۲. فشار بر اهل بیت و شیعه در دوران امام حسن تا اواسط دوران امام سجاد علیه السلام.....
۲۷۶	۵.۲. رونق حدیث از اواخر دوران امام سجاد تا اوایل دوران امام کاظم علیه السلام.....
۲۷۹	۶.۲. کار حدیثی با رعایت تقیه از اواسط دوره امام کاظم تا پایان حضور ائمه علیهم السلام.....
۲۸۲	۳. حکومت ها.....
۲۸۳	۴. امکانات و زمینه های علمی.....
۲۸۴	ه) ویژگی های شخصی نویسنده.....
۲۸۵	۱. عدالت.....
۲۸۹	۲. ضبط.....
۲۹۰	۳. خاندان.....
۲۹۳	۴. سلیقه.....
۲۹۵	۵. ویژگی های دیگر.....

۲۹۷	و) جایگاه نویسنده نزد مخالفان
۲۹۷	۱. نقل از نویسنده به همراه تلقی به قبول
۲۹۸	۲. نقل از نویسنده به قصد پاسخگویی
۲۹۹	۳. نقل از نویسنده به صورت موردی
۲۹۹	۴. شهرت علمی نویسنده در میان مخالفان
۳۰۱	۵. مدح نویسنده
۳۰۱	۶. تبادل علمی با نویسنده
۳۰۲	۷. نقل یا اظهار نظر بزرگان سنی درباره نویسنده
۳۰۳	فصل سوم: ملاک‌های متن‌پایه
۳۰۴	الف) موافقت با عقل
۳۰۷	ب) همخوانی با مسلمات مذهب
۳۰۸	۱. قرآن کریم
۳۰۹	۲. نصوص و مفاهیم روایی پذیرفته شده
۳۱۰	ج) مؤیدات متنی از منابع دیگر
۳۱۵	د) کمی اختلافات متن در نسخه‌های مختلف
۳۱۷	مرحوم علی‌اکبر غفاری می‌گوید:
۳۱۸	ه) کمی آسیب‌های مربوط به متن
۳۱۸	۱. نقل معنا
۳۱۹	۲. تصحیف، قلب و تحریف
۳۲۰	۳. تقطیع و اختصار
۳۲۲	۴. تقیه و توریه
۳۲۴	۵. تخلیط
۳۲۶	۶. اضطراب
۳۲۷	۷. درج و سقط
۳۲۸	۸. وضع
۳۳۰	۹. متون رکیک و مبتذل
۳۳۱	و) نگارش
۳۳۲	۱. بلاغت
۳۳۳	۲. همخوانی با نگارش شیعی
۳۳۶	۳. تناسب متون با فضای زمان صدور
۳۳۸	ز) گرایش موضوعی متون
۳۴۳	ح) کاربردی بودن مطالب

بخش سوم: ارزش‌گذاری ملاک‌ها/ ۳۴۵

فصل اول: نیاز ملاک‌ها به ارزش‌گذاری	۳۴۹
الف) تفاوت و تزامن منابع در دارا بودن ملاک‌ها	۳۴۹
ب) ناهمگونی ملاک‌ها در نگاشته‌های یک نویسنده	۳۵۴
ج) ناسازگاری ملاک‌ها در یک منبع	۳۵۵
د) تفاوت دیدگاه‌ها درباره ویژگی‌های یک کتاب	۳۵۶
فصل دوم: رتبه‌دهی و شیوه جمع‌بندی ملاک‌ها	۳۵۹
الف) معرفی ملاک‌ها بر اساس رتبه	۳۶۰
۱. رویکردهای رتبه‌دهی	۳۶۰
۲. حداقل‌های اعتبار	۳۶۱
۳. معیارهای ارتقادهنده	۳۶۳
ب) جمع‌بندی معیارها	۳۶۵
۱. چستی شیوه برابندگیری	۳۶۶
۲. بهره‌گیری از معیارهای جایگزین	۳۶۷
۳. مراحل جمع‌بندی معیارها	۳۷۰
۴. روش‌های دیگری برای جمع‌بندی معیارها	۳۷۱
ج) چرایی فرایند یادشده	۳۷۳
نتیجه‌گیری	۳۸۱
پیشنهاد‌های پژوهشی	۳۸۲
کتاب‌نامه	۳۸۵
مقالات و پایان‌نامه‌ها	۴۰۶
سایت	۴۰۷

سخن پژوهشگرده

شیعه به حق معتقد است که پیامبر ﷺ و اهل بیت مطهر ایشان ، تنها هدایت‌گران آدمیان به سعادت واقعی و هدف آفرینش هستند و نمی‌توان از دری دیگر به حقایق متعالی دست یافت. ایشان به اصطفای الهی و علم و عصمت خدادادی، سره را از ناسره برای بشر در طول زمان جدا ساخته و او را در مسیر زندگی عقلانی و خداپسندانه سوق داده‌اند. همان بزرگوارانی که با بیان و رفتار خود عقل انسان را از حجاب خارج و در پی آن او را به توحید حقیقی، اخلاق فطری و سعادت جاودانه رهنمون ساختند. بی‌گمان اگر آموزش‌های ایشان نبود، از شریعت و معرفت الهی، چیزی برای مسلمانان باقی نمی‌ماند و کج‌راه‌ها و بداندیشی‌ها، به اسم دین جایگزین هدایت آسمانی می‌گشت.

روشن است که این رهنمودها در بیان و رفتار حضرات معصومین ، در همان عصر حضور ایشان به طور مستقیم به همه موالیان ایشان نمی‌رسید. این از آن جهت بود که علاوه بر گستردگی جغرافیایی مکان زندگی شیعیان و عدم امکانات ارتباطی گسترده، شرایط و مقتضیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، مانع از آن بود تا تمامی معارف و حقایق به صورت مستقیم و بی‌واسطه برای همگان تبیین شود.

راهکاری که در آن دوران برای انتقال مضامین و علوم مختلف وجود داشت، «نقل شفاهی به صورت سینه به سینه و سلسه وار» یا «انتقال نگاشته‌های مکتوب به شیوه‌های مختلف» بود. این راهکار تا قبل از صنعت چاپ با قدری تغییر در جزئیات، همچنان پابرجا بود. در این دو روش، البته آسیب‌هایی در رسیدن حقیقت و واقعیت وجود داشت؛ آسیب‌هایی همچون، تضعیف، تحریف، جعل و وضع و همچنین عدم فهم دقیق مضمون توسط روایتگر آن.

اما معصومان  با رهنمودهایشان بر روی روش‌های درست انتقال و فهم حدیث، تأکید

کرده و شیعیان و اصحاب خویش را در دور شدن از افراد و روش‌های آسیب‌زا، هدایت نمودند. با پیروی اصحاب گرانقدر حضرات معصومین علیهم‌السلام از این رهنمودها و تلاش‌های مجدانه آنها بر حفظ حقیقت معارف دین و مذهب، میراث حدیثی شیعه تا اندازه بسیار از این آسیب‌ها در امان مانده و از تحریفات و جعل‌ها زدوده گشته است.

حدیث و میراث حدیثی شیعه، در عمل بستر اصلی انتقال معارف هدایت‌گرانه اهل بیت علیهم‌السلام به دوران‌های پسین است که فارغ از چگونگی فهم عقلانی و عقلایی آن، در ناحیه اطمینان به اصالت و اعتبار آن، با چالش‌های متعددی مواجه بوده است که دانشمندان بزرگ شیعه در طول تاریخ با تلاش بسیاری در صدد حفظ و پالایش این میراث از کاستی‌ها و نادانی‌های یاد شده بوده و در این راه، به شیوه اطمینان‌بخشی در دستیابی به حقایق وحی راه یافته‌اند.

در اعتبارسنجی تراث با نگاه صحیح عقلایی و تاریخی لازم است که در چهار محور منبع، سند، متن و مضمون دقت‌های لازم صورت گیرد و لذا یکی از نکات درخور توجه برای سنجش قابلیت اتکاء به نگاشته‌های حدیثی، بررسی ملاک‌های عقلایی قابلیت اتکا بر منابع حدیثی است. در این راستا باید توجه داشت که لزوماً این بررسی به منظور به دست آوردن ملاکی صفر و صدی برای قبول یا رد منبع نیست و ممکن است برای اعتبار منابع درجاتی قائل شد که آن درجات برای اعتماد و اتکا به حدیث در حکم یک قرینه به میزان خودش نقش ایفا نماید.

پژوهش حاضر به دنبال یافت ملاک‌هایی برای اعتبارسنجی منابع حدیثی شیعه در کنار رتبه‌بندی اعتبار آنها می‌باشد. استاد گرانقدر جناب حجت الاسلام والمسلمین محمد مهدی احسانی‌فر در نگاشته خود ضمن بررسی جایگاه منبع‌شناسی در اعتبارسنجی حدیث و امکان‌سنجی رسیدن به اعتبار کتاب و نسخه در گذشته و حال، به گونه‌های مختلف ملاک‌های اعتبارسنجی منابع پرداخته و در ادامه آنها را ارزش‌گذاری نموده است. در نهایت ایشان با در نظر گرفتن ارزش‌گذاری ملاک‌های مختلف، به رتبه‌بندی و شیوه جمع‌بندی معیارهای مختلف برای اعتبار منبع حدیثی پرداخته‌اند.

این نگاشته در راستای حمایت از پایان نامه‌های کارآمد در عرصه حدیث پژوهی به خصوص در عرصه دفاع از اصالت میراث حدیثی شیعه در گروه حدیث پژوهی پژوهشکده معارف اهل بیت علیهم السلام مورد ارزیابی قرار گرفت و پس از اعمال اصلاحات توسط نگارنده ارجمند در معرض خوانش پژوهشگران و خوانندگان محترم قرار گرفته است.

امید است نشر پایان نامه‌های عرصه حدیث پژوهی در کنار هم، در تحکیم اصالت میراث حدیث شیعه و نگاه روشن‌تر به روش صحیح فهم حدیث شیعه مثمر ثمر باشد و سبب گشایش نگاه‌های جدید و متقن به عرصه‌های مختلف حدیث پژوهی گردد. لازم به ذکر است که پایان نامه‌های منتشر شده توسط موسسه معارف اهل بیت علیهم السلام در چهارچوب کلی ضوابط مؤسسه ارزیابی شده و پذیرفته شده‌اند؛ لیکن این به معنای پذیرش تمام محتوای موجود در آنها نمی‌باشد. امید است که این پژوهش‌ها و نشر آنها مورد قبول درگاه حضرت حق متعال و مورد عنایت حضرت ولی عصر ارواحنا فداه، قرار گیرد و زمینه‌ای برای پژوهش‌های آینده در حوزه حدیث پژوهی شیعه، پدید آورد. بی‌گمان ملاحظات یا پیشنهادات خوانندگان فرهیخته می‌تواند گامی در جهت بهسازی فضای گفت‌وگوی علمی در حوزه حدیث شناسی باشد و راه گسترش دانش حدیث شیعه را در آینده بیش از پیش فراهم سازد.

در انتهای سخن از نویسنده ارجمند و همچنین از اعضای گروه حدیث پژوهی پژوهشکده و مدیر فاضل و گرانمایه گروه جناب حجت الاسلام والمسلمین وحید عابد و همچنین جناب حجت الاسلام والمسلمین احسان سرخه‌ای و جناب حجت الاسلام والمسلمین محمد معصومی مقدم بابت ارزیابی مدققانه ایشان و تمام بزرگواران و عواملی که در به ثمر رسیدن این نگاشته زحمت کشیده‌اند، به‌ویژه از آقایان سید هادی ناطقی در نسخه‌پردازی، مصطفی حقانی فضل در ویراستاری، محبوب محسنی در صفحه‌آرایی، سید محمدجعفر منجم‌زاده در نمونه‌خوانی و همچنین جناب آقای مسعود اقوام کرباسی مدیر انتشارات تقدیر و تشکر می‌نمایم.

محمدتقی سبحانی

رئیس پژوهشکده معارف اهل بیت علیهم السلام

پیشگفتار

هنگامی که در گروه مصدربی دار الحدیث (از سال ۱۳۸۲ خورشیدی) با مدیریت پژوهشگر توانمند و دوست بزرگوارم، جناب حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا سبحانی‌نیا (زیدت توفیقانه)، توفیق خدمت یافتم، هر روز باید تعدادی از احادیث را در ابواب و موضوعات مختلف از حیث منبع تقویت می‌کردم. این کار با تقویت متن حدیث، بلکه «تقویم النص» و تنقیح متن همراه بود. برای این عملیات از فهرستی بهره می‌بردیم که استاد گرامی جناب حجت الاسلام والمسلمین سید محمدکاظم طباطبایی (دامت توفیقانه) تهیه کرده بودند. در این فهرست، اسامی تعدادی از کتاب‌های حدیثی شیعه و سنی با ذکر درجه و رتبه هر یک آمده بود. استاد گرامی بر پایه معیارهایی که در ذهن داشتند، نزدیک به ۴۰۰ منبع حدیثی را اعتبارسنجی کرده و درجه‌ای از یک تا سه برای هر منبع در نظر گرفته بودند. در هر درجه نُه رتبه وجود داشت و مجموع درجه و رتبه، اعتبار کتاب را از نظرگاه ایشان نشان می‌داد.

همواره دوست داشتم ملاک‌های این درجه‌بندی را بدانم؛ ازین‌رو در فرصت‌هایی که پیش می‌آمد خدمت استاد رسیده، روش کار و تحلیل آن را جویا می‌شدم. نتیجه این گفت‌وگوها را معمولاً با ذکر تاریخ می‌نگاشتم تا اینکه با همکاری مدیر محترم گروه مصدربی، نشست‌هایی را با عنوان «ملاک‌های اعتبارسنجی منابع حدیثی» برگزار کردیم. در این نشست‌ها استاد گرامی به معرفی حدود پانزده معیار برای درجه‌بندی منابع حدیثی پرداختند. مطالب آن سه جلسه را پیاده و تدوین کردم، سپس آن را در ماهنامه محدث شماره ۱۵ و ۱۶ به اسم استاد چاپ کردم.

همزمان با این کار بود که برای تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد وارد دانشکده علوم حدیث شدم. از آغاز ورود، موضوعاتی را برای کار به عنوان پایان‌نامه در ذهن داشتم و بر کاغذ نگاشتم. پس از برگزاری این نشست‌ها، یکی از جدی‌ترین دغدغه‌هایم پایان‌نامه‌ای

با عنوان «ملاک‌های اعتبارسنجی منابع حدیث شیعه» بود. دوست داشتم همه ملاک‌ها را کشف و آن را در سازه‌مانی منسجم ارائه کنم. می‌خواستم پشتوانه نظری هر ملاک را به دست آورم و پیشینه آن را در تلاش‌های محدثان بزرگ دنبال کنم.

عمو و استاد گرامی‌ام، جناب حجت الاسلام والمسلمین محمد احسانی‌فر (دامت توفیقاته)، که در حوزه و دانشگاه شاگرد ایشان بودم و هستم، همواره به همه مباحث حدیثی نگاه اصولی می‌کردند. اعتبارسنجی حدیث نیز از جمله عرصه‌هایی بود که ایشان در آن مقالات متعددی نگاشته^۱ و فزون‌تر از آن، نشست‌ها و درس‌هایی برگزار کرده بودند. این نگاه می‌توانست پشتوانه خوبی برای موضوع «ملاک‌های اعتبارسنجی منابع حدیث شیعه» باشد. درخواستم را بزرگوارانه پذیرفتند و راهنمای پایان‌نامه‌ام شدند.

جناب حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدناصر رفیعی (دامت توفیقاته) هم که در دانشگاه کلاس درسشان را درک کرده بودم، با درخواست بنده برای پذیرش مشاوره این پایان‌نامه موافقت کردند.

در جریان تصویب طرح پایان‌نامه از سوی دانشکده، بخشی به کارافزوده شد و آن تطبیق ملاک‌ها بر پنج کتاب تفسیر روایی معروف و قدیمی یعنی تفسیر حبری، تفسیر فرات، تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (علیه السلام)، تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم قمی و تفسیر عیاشی بود. از آن رو که این بخش نیاز به کار گسترده‌تری داشت و پس از نگارش پایان‌نامه، اطلاعاتی بسیار بیشتر درباره این منابع به دست آوردم، آن را از کتاب حاضر حذف کردم تا اگر توفیقی حاصل شود، با افزودن گزاره‌های فزون‌تر و تحلیل‌های دقیق‌تر، کاری جامع‌تر ارائه گردد.

پژوهش پایان‌نامه با روش کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از منابع مکتوب و رایانه‌ای آغاز شد. حدود ۲۸۰ کتاب به طور کامل مطالعه و فیش‌برداری شد. حدود ۴۰۰ منبع حدیثی شیعه مورد مطالعه اجمالی قرار گرفت و فیش‌برداری شد. در زمانی به بازه هشت ماه و ۲۰۰۰ ساعت مفید، حدود ۲۵۰۰ فیش قابل استفاده تهیه شد.

۱. مانند: احسانی‌فر، «دو رویکرد ثبوتی و اثباتی در نقد حدیث»، علوم حدیث؛ همو، «نظریه توسعه تعبدی سیره عقلا در حجیت خبر واحد»، علوم حدیث؛ همو، «دامنه حجیت احادیث تفسیری»، علوم حدیث.

به لطف خدا پژوهش و نگارش پایان نامه، آغاز آذرماه به پایان رسید و در تاریخ هفتم دی ماه ۱۳۸۹ خورشیدی با داوری استاد گرامی جناب حجت الاسلام و المسلمین سید محمدکاظم طباطبایی (دامت توفیقاته)، که در حقیقت صاحب امتیاز این موضوع بودند و نگارنده با اجازه ایشان به کار درباره این موضوع پرداخته است، دفاع شد.

از آن روز تاکنون فایل پایان نامه به صدها نفر داده شد، ولی فرصتی برای تبدیل آن به کتاب پیش نیامد. در همین حین، فاضل ارجمند جناب حجت الاسلام و المسلمین سجاد منصوری رضی نقدهای خوبی بر آن نگاشت که از ایشان متشکرم. در طول این سالها اجازات متعددی به دوستان، پژوهشگران و مدرسان مختلف برای استفاده از مطالب پایان نامه در مقالات، پایان نامه ها، کتاب ها، نشست های علمی و کلاس های درسشان دادم. اشتغالات علمی دیگر و علاقه به یادگیری فزون تر مانع از آن می شد که زمانی مجدد برای این کار اختصاص دهم تا اینکه دوست عزیزم فاضل گران قدر، جناب حجت الاسلام و المسلمین سید محمدحسن حکیم (دام عزه)، با روش استدلال و اقناع مخصوص به خود راضی ام کردند که این کار را بدون تغییرات اساسی و تنها با تغییراتی جزئی به چاپ برسانم. تغییرات جزئی را آغاز کردم و چند ماه هر روز یکی دو ساعت به آن پرداختم. گویا تقدیر هم با جناب حکیم همراه بود و به فاصله کوتاهی از این جلسه نسبتا طولانی، جنابان حجج اسلام حسین خلعی و حسین محققیان (دام عژهما) خواهان چاپ این اثر شدند و مؤسسه معارف اهل بیت علیهم السلام نیز تعهد چاپ آن را بر عهده گرفت. کرونا و گرفتاری های پس از آن موجب شد که پرداختن مجدد به این پژوهش با فاصله ای چند ساله روبه رو شود تا اینکه توفیق شد دوره ای دوهفته ای را در نجف اشرف باشم و به صورت متمرکز به تکمیل تغییرات جزئی این کار پرداخته، آن را آماده چاپ سازم؛ «الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله».

در طول این چند سال، هم نگاشته های بیشتری مرتبط با این موضوع به بازار آمد و هم بسیاری از منابع، تحقیق و چاپ یا تجدید چاپ شد. بنده هم حدود ۲۵۰۰ فیش دیگر برای تکمیل کار گرفته ام و تحلیل های بیشتری را یادداشت کرده ام، ولی چون افزودن این مجموعه به کار پیشین و به روزرسانی منابع و اطلاعات نیاز به فرصتی تفصیلی داشت، از آن صرف نظر

و همان پیشنهاد دوست عزیزم را عملی کردم؛ به امید اینکه روزی بتوان گزاره‌های بیشتری را به این کتاب افزود و تحلیل‌ها را تقویت کرد.

برای چاپ اثر در جایی غیر از دانشکده علوم حدیث نیاز به مجوز بود. از استاد گرامی‌ام جناب حجت الاسلام والمسلمین مسعودی (دامت توفیقاته)، که اکنون ریاست دانشگاه قرآن و حدیث را بر عهده دارند، درخواست مجوز کردم و ایشان نیز بزرگوارانه پذیرفتند.

در پایان لازم است از تلاش‌های پیگیر استاد فقید و دانشمند بزرگ حدیث، مرحوم آیت الله محمدی ری‌شهری رحمه الله، که زمینه‌ساز تلاش‌های حدیثی گسترده در دانشگاه و پژوهشگاه قرآن و حدیث بودند، تشکر و برایشان غفران و رحمت خاصه الهی را مسئلت کنم.

همچنین از پدر، مادر و همسر که شرایط تحصیل و پژوهش را به خوبی فراهم کردند و همواره با دعا و امیدبخشی پشتوانه محکم فعالیت‌های حوزوی‌ام بودند، تشکر و از پیشگاه الهی برایشان عافیت، عزت و حُسن عاقبت مسئلت می‌کنم.

ضمن پوزش از استادان و خوانندگان گرامی بابت اشکالات و نقایص این کار، از انتقادات و پیشنهاد‌های تکمیلی استقبال می‌کنم.

والحمد لله رب العالمین

تابستان ۱۴۰۲ خورشیدی

۱۸ ذی‌الحجة الحرام ۱۴۴۴ قمری

عید غدیر خم، حرم امیر مؤمنان علیه السلام، نجف اشرف

محمد مهدی احسانی‌فر

مقدمه استادان

نویسنده ناچیز این کتاب سال‌ها از محضر استادان گران‌قدری بهره برد که جا دارد به تناسب این کتاب، از دو استاد عزیز و بزرگوار یاد شود.

از محضر استاد گرامی، جناب حجت الاسلام والمسلمین سید محمدکاظم طباطبایی (دامت برکاته)، سال‌ها بهره‌های حدیثی بردم و در موضوعات مختلف از بیان، قلم و تجربه ارزشمند ایشان استفاده کردم. این استاد بزرگوار همواره برای شاگرد کوچک خویش وقت گذاشته، کریمانه دانش خویش را در اختیار می‌نهادند؛ هرچند این شاگرد توان بهره‌برداری از علم گسترده استاد را نداشت.

از محضر استاد و عموی بزرگوارم، جناب حجت الاسلام والمسلمین محمد احسانی‌فر (دامت برکاته)، نیز سال‌ها بهره علمی بردم. چند سال شرکت در درس خارج فقه و اصول، تفسیر، حدیث و ادبیات ایشان برایم فواید بسیاری داشت. این استاد گران‌قدر تجربه علمی خویش را به آسانی در اختیارم می‌گذاشتند و در محضرشان همانند کودکی نوآموز مشق قلم می‌کردم.

اکنون نیز به شاگردی این دو استاد بزرگوار افتخار می‌کنم و در درگاه خداوند متعال، بر نعمت بزرگ شاگردی بزرگان پیشانی شکر می‌سایم.

اکنون این استادان بزرگوار شاگردنوازی کرده و مقدمه‌هایی سودمند بر کتاب این ناچیز که محصول زحمات خودشان است نگاشته‌اند. آنچه در پی می‌آید متن نگاشته استادان گرامی است.

مقدمه حجت الاسلام والمسلمین سید محمدکاظم طباطبایی

بسم الله الرحمن الرحيم

آموزه‌های معرفتی دین اسلام برگرفته از قرآن و سنت است. سنت به عنوان منبع معرفتی دین به «ما صدر عن النبی / المعصوم» معنا شده که در دوره حضور در معرض دیدن و شنیدن بسیاری از مردمان بوده است، ولی پس از دوره حضور، تنها حلقه رابط برای دستیابی به سنت از طریق گزارش سنت، یعنی «حدیث»، صورت می‌پذیرد.

دغدغه و پرسش مهم این است که «آیا هر سخن و نوشته که ادعای حکایتگری سنت دارد در ادعای خود صادق است و ما را به سنت رهنمون می‌شود یا احتمال وجود مواردی هست که ناروا یا غیر دقیق ادعای گزارشگری سنت را دارند؟». روشن است که گزاره دوم صحیح است؛ ازاین‌رو برای دستیابی مطمئن به سنت، نیازمند به راستی‌آزمایی گزارش‌ها و اعتبارسنجی روایت‌ها هستیم.

در آغاز ظهور اسلام، اعتبارسنجی روایات پیامبر و امامان -علیهم صلوات الله- از سیره عقلایی مردم در پذیرش خبر تبعیت می‌کرد. در سده دوم و سوم هجری مباحث مرتبط با اعتبارسنجی روایات مطرح شد. اهل سنت اعتبار خبر ثقه را پذیرفتند و شیعیان از رویکرد دیگری استفاده کردند که مبتنی بر سیره عقلایی در پذیرش خبر بود. اعتبارسنجی منبع‌محور ناظر به رویکرد عالمان در این دوره بوده است.

در سده‌های میانی، رویکرد اعتبارسنجی منبع‌محور به رویکرد اعتبارسنجی سند‌محور تبدیل شد. این تغییر رویکرد مبتنی بر دلایل و توجیهاتی بود که در دوره‌های بعد توسط عالمان شیعه مورد نقض و ابرام قرار گرفت. پس از آن، مناقشه درباره اعتبارسنجی سندی ادامه داشته و گاهی با افراط و تفریط روبه‌رو شده است.

«پژوهشکده علوم و معارف حدیث» از آغاز، شیوه اعتبارسنجی قرینه‌محور را مبنای اعتبار روایات قرار داد و آن را در کتاب‌های پژوهشی خود اعمال کرد. اعتبارسنجی قرینه‌محور برگرفته از وثوق صدوری عقلایی و مبتنی بر چهار عامل منبع حدیث، سند حدیث، محتوای حدیث و قرینه‌های پیرامونی حدیث است.

پژوهشگر ارجمند، پرتلاش و نازنین، جناب حجت الاسلام و المسلمین محمد مهدی احسانی فر (زید عزّه)، در دوران پژوهش در پژوهشکده علوم و معارف حدیث، آموختن در دانشگاه قرآن و حدیث و آموزاندن در مرکز تخصصی حدیث حوزه علمیه قم، بر شاخه اعتبارسنجی منابع تمرکز داشت و بحمدالله به نتایج خوبی نیز دست یافت. پیگیری مستمر و تمرکز چندین ساله ایشان بر منابع حدیثی، یافتن ملاک‌های افزایش یا کاهش اعتبار منابع، اثرگذاری اعتبار منبع بر اعتبارسنجی روایت و... دستاوردهای پژوهشی مفیدی داشته که در این کتاب آنها را با مخاطبان در میان نهاده است.

روشن است که در قبال رویکرد اعتبارسنجی سندمحور که قدمتی چندصدساله دارد، تبیین ملاک‌ها و شیوه‌های اعتبارسنجی منبع محور نیازمند کار بیشتر و دقیق‌تر است. انتشار این اثر را به فال نیک می‌گیرم و امیدوارم خوانندگان کتاب، افزون بر استفاده از ظرافت‌های موجود در آن، به تعمیق و گسترش بحث همراه با نقد، نقض و ابرام روش پیش‌گفته یاری رسانند.

زحمات نویسنده محترم را پاس داشته، برای ایشان موفقیت در خدمت به حدیث پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت گرامی ایشان ﷺ را آرزومندم.

سید محمدکاظم طباطبایی

پژوهشکده علوم و معارف حدیث

ذی‌الحجّه ۱۴۴۴/ تیرماه ۱۴۰۲

مقدمه حجت الاسلام و المسلمین محمد احسانی‌فر

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين

وصلّى الله على خير خلقه واشرف بريته محمد وآله الاكرمين.

بشر ناگزیر از معرفت به حق و درک و دریافت معارف صحیح و تمییز آنها از اوهام و پندارهای ناصحیح و مشکوک است.

معرفت معصومانه در انحصار عقل و وحی

به حکم عقل، گوهرهای ایمان - در ابعاد عقاید و احکام و اخلاق و جز اینها - تنها از دو معدن معصوم و پیراسته از لغزش، یعنی وحی و عقل، قابل دریافت است.

انحصار وحی در قرآن و سنت

پس از ورود بشر به عصر نسخ و تحریف کتب آسمانی پیشین - یعنی انقضای تاریخ اعتبار شرایع و کتب پیشین، از یک سو و تحریف یا انسای کتب و حیانی پیشین از سوی دیگر - وحی معصوم و قابل دستیابی تنها ممحّض در قرآن کریم است. بنابراین منابع اصیل و معصوم برای دریافت ابعاد و زوایای دین، منحصر، عبارت‌اند از قرآن و سنت و عقل؛ زیرا سایر منابع - مانند اجماع، عرف و سیره عقلا - نیز برگشت به یکی از همین سه منبع اصیل و معصوم دارند.

شمول وحی معصوم نسبت به سنت نیز از عقل و وحی معصوم، یعنی قرآن کریم، دریافت می‌گردد:

﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾^۱

﴿قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ﴾^۲

﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾^۳

۱. سوره حشر، آیه ۷.

۲. سوره آل عمران، آیه ۳۲.

۳. سوره آل عمران، آیه ۱۳۲.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ... إِنَّ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾^۱

لغزش بشر از هر سه منبع معرفت معصومانه

البته بشر نامعصوم در بهره‌گیری از هر سه منبع معصوم قرآن و سنت و عقل درگیر راهزن‌ها و مشکلاتی است.

در کار عقل، نفس متعقل نامعصوم، در فرایند تفکر و تعقل، بسی دچار راهزن طریق تعقل می‌شود، یعنی عوامل اثرگذار در نفس کششی پدید می‌آورند که نفس پیش از تأمین مبادی و دلایل اذعان به گزاره‌های عقلی، بدان اذعان می‌کند و در نتیجه این نفس بیچاره احکام قوه وهم را حکم عقل می‌پندارد.

همچنین درباره کتاب وحی محض و دست نخورده، یعنی قرآن کریم، گرچه در سندیت قرآن کریم، بی‌تردید، جای هیچ مناقشه‌ای نیست، دو بخش ظواهر و متشابهات قرآن کریم محور تفسیر به رأی - یا همان تحریف معنوی - قرآن کریم محسوب می‌شود.

سنت نیز، همانند کتاب، می‌تواند محل تفسیر و تأویل به رأی باشد؛ علاوه بر مشکل اعتبار و صدور برخی احادیث. بنابراین سنت نیز به رغم عصمتش، دو لغزشگاه برایش متصور است: یکی برداشت‌های ناصحیح از ظواهر و متشابهات سنت و دیگری پنجره دریافت متون سنت، یعنی احادیث و اصل و کیفیت صدور آنها.

احادیث، پنجره سنت

حدیث پنجره ما به سوی سنت است؛ زیرا حدیث عبارت است از قول معصوم یا آنچه حاکی از قول و فعل (و حال) یا تقریر معصوم باشد. قول مستقیم معصوم که در روزگار غیبت، معمولاً قابل دستیابی نیست. آنچه از احادیث که - شأناً - حاکی از قول یا فعل یا تقریر معصوم است نیز می‌تواند در معرض گونه‌هایی از عوارض و آسیب‌های حدیث‌نگاری - مانند جعل، تصحیف یا سقط - باشد.

ضرورت تمییز احادیث سره از ناسره

بر این اساس، برای دستیابی به «سنت» - به عنوان منبع معرفتی معصوم - به ناچار باید دانش‌هایی را دریافت نماییم تا هم به متن قابل اعتمادتر در حدیث دست یابیم و چنان متنی را برای دیگران قابل اثبات سازیم و هم راه شناخت و زدودن آسیب‌های حدیثی را دریابیم و هم راه‌های دریافت مفاهیم درست از احادیث و سنت را بشناسیم.

دانش‌های پیش‌نیاز دستیابی به سنت

برای پژوهش در علوم حدیث و دستیابی به زلال سنت، یا همان احادیث ناب، ناگزیر از دانش‌هایی هستیم تا در فرایند حدیث پژوهی دچار راهزن طریق نشویم:

۱. رواية الحديث، یعنی دانش مربوط به راه‌های دستیابی به روایات و شیوه‌های نقل صحیح روایات؛

۲. درایة الحديث یا همان علم مصطلح الحديث که کارش گونه‌شناسی و شروط اعتبار روایات و احادیث است؛

۳. دانش رجال که کارش شناخت حال راویان احادیث مسند و مرسل، از نگاه اعتبار و مقبولیت و قابل اعتماد بودن است؛

۴. دانش فقه الحديث که آسوده از مشکل اعتبار سندی حدیث، به شناخت و تبیین مفاد و مدالیل متن حدیث می‌پردازد؛

۵. دانش غریب الحديث که به بحث و تبیین واژگان و ترکیب‌ها و عبارات نامأنوس - خواه نامأنوسی ذاتی یا نامأنوسی عارضی - می‌پردازد؛

۶. دانش اصول فقه که بخش‌های مهمی از آن مربوط به شیوه تعامل با احادیث متعارض از نگاه امکان اعتماد و استناد به آن در دانش‌های اعتباری و کاربردی از قبیل فقه است، خواه تعارض صوری یا بدوی و یا حقیقی باشد؛

۷. دانش اختلاف الحديث یا همان مختلّف الحديث که تماماً مربوط به شیوه تعامل با احادیث دارای اختلاف و علاج این اختلاف است. خواه با رویکرد اثباتی، یعنی با هدف

شناخت امکان کاربرد روایات دارای اختلاف در دانش‌های اعتباری و کاربردی باشد یا با رویکرد ثبوتی؛ زیرا در این رویکرد، حدیث با نگرش علمی محض برای شناخت حدیث از نگاه درستی یا نادرستی در همان جایگاه واقعی که دارد، مورد پژوهش قرار می‌گیرد، خواه این اختلاف احادیث صوری یا بدوی یا حقیقی باشد. توضیح اینکه در نگاه ثبوتی، هدف علم به واقعیت وضعیت آن است؛ خواه بدانیم که حدیث جامع شرایط اعتبار است یا نیست یا علم صد در صد به صدور یا عدم صدورش داشته باشیم یا احتمالی ناچیز یا احتمالی بس قوی یا شک به صدورش باشد، در هر حال حدیث مورد نظر مورد مطالعه قرار می‌گیرد تا علم به واقعیت وضعیتش پیدا کنیم؛

۸. دانش مشکل الحدیث که راه‌های حل مشکل تعارض روایات با غیر روایات را مورد بحث قرار می‌دهد، اما حل مشکل تعارض روایات با روایات دیگر در مختلف الحدیث از آن بحث می‌شود. «غیر روایات» کلیه منابع معرفتی دیگر را شامل می‌گردد؛ مانند آیات قرآن و یا عقل و جز اینها از قبیل حس و شهرت تاریخی و شهرت فتوایی.

۹. دانش مبادی کلامی علوم الحدیث؛ با عنایت به تأثیر ژرف و وسیع مبانی کلامی محدثان و حدیث‌پژوهان در کار حدیث‌نگاری و حدیث‌پژوهی و تعریف حدیث، تعیین حجیت و قلمرو حدیث و جز آنها، مسائل تدوین‌یافته در برخی دانش‌ها و نیز سرفصل‌های مربوط به برخی کتاب‌های مربوط وافی به تأمین مقصد نیست؛ از این رو نیازمند به تألیف کتب مستقل و بلکه تدوین دانشی مجزا برایش هستیم.

۱۰. دانش اعتبارسنجی احادیث و منابع آن که به شناخت قواعد و طرق دستیابی به اعتبار حدیث و منابع حدیثی برای کاربرد در دانش‌های کاربردی و بنیادی می‌پردازد. در گذشته به همان مباحثی از علم اصول فقه و دانش درایة الحدیث که از آن بحث می‌شد، بسنده می‌کردند، ولی رفته‌رفته مباحث آن از نگاه کمی و کیفی گسترش یافت و نیازمند تدوین دانشی برای تأمین نیازهایش گردید.

راه‌های اعتبار سنجی احادیث

سنجش میزان اعتبار احادیث راه‌ها و شیوه‌هایی دارد که عبارت‌اند از:

الف) روش قدما یا همان اعتماد به قرائن و شواهد؛

ب) سندپژوهی؛

ج) متن‌پژوهی؛

د) پژوهش در منابع، یا روش پژوهش و تحلیل فهرستی؛ این روش ادامه نظام‌مند همان روش قدمای فقیهان و محدثان شیعه است، با این تفاوت که هم بسیاری از قرائن در دسترس قدما امروز در گذر زمان از دست رفته و هم برخی قرائن که در اختیار قدما نبوده امروز در دسترس یا قابل دستیابی است.

البته این روش‌ها در مقام به‌کارگیری با هم منافاتی ندارند؛ گرچه بعضی در حدیث‌پژوهی بسنده به برخی شیوه‌ها نموده، اعتماد به برخی شیوه‌های دیگر را صحیح نمی‌دانند، به مقتضای تحقیق، بسنده نمودن به برخی روش‌ها و محروم ساختن خود از دیگر روش‌ها صحیح و قابل پذیرش نیست، بلکه باید هر روشی را در جایگاه ارزش و اعتبار خود جای داد و تا رسیدن به نقطه علم یا مرز اعتبار کاوش نمود.

جایگاه اعتبارسنجی منابع حدیثی

طبیعی است که همه کتب حدیثی در یک درجه و رتبه از اعتبار نباشند؛ زیرا اموری چون اتصال و اعتبار سند از مؤلف تا معصومان علیهم‌السلام، میزان اعتبار خود کتاب، میزان وثاقت مؤلف، منزلت و جایگاه علمی و ورع مؤلف، میزان قدمت مؤلف و تألیف کتاب، میزان استواری عبارات احادیث کتاب، میزان بلندی مضامین یک حدیث یا مجموعه حدیث‌های موجود در کتاب و بسیاری از امور دیگر می‌توانند در تعیین درجه اعتبار کتاب یا جایگاه اعتبار احادیث آن نقش داشته باشند.

درباره دانش‌های متعددی که از مجموعه علوم الحدیث برشمردیم، سایر دانش‌ها از سوی دانشوران و پژوهشیان مختلف با سطح دانش و هنر مختلف مورد پژوهش قرار گرفت که این مجال کوتاه جای بحث و شمارش آنها نیست.

درباره اعتبارشناسی کتب و منابع حدیثی، مرحوم شیخ عاملی در کتاب *وسائل الشیعه*

۹۳ عنوان از مجموع کتب حدیثی شیعه را که معتبر می‌شمرد، برگزید و بنا بر این گذاشت که احادیث کتابش را تنها از این منابع نقل کند. مرحوم محدث نوری نیز احادیث فقهی مربوط به همان مباحث فقهی را از سایر کتاب‌هایی که بدان‌ها دسترسی یافته بود، برگزید و در کتابی که در استدراک روایات وسائل تدوین نمود، جای داد با نام مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. البته او مجموعه‌ای از این منابع را معتبر می‌شمارد. مرحوم مجلسی نیز عمده احادیثش را از منابع معتبر -از نگاه خویش- نقل می‌کند و در مقدمه کتابش، اعتبار عمده این کتاب‌ها را بیان نموده یا بدان اشاره می‌نماید.

ولی احراز اعتبار همه کتب مربوط به وسائل الشیعه و نیز تعیین جایگاه و میزان اعتبار کتاب‌های مستدرک و کتاب‌های دیگری که از مصادر بحار الانوار محسوب می‌شوند و نیز کتب حدیثی بیرون از منابع این سه موسوعه حدیثی، همگی کارهای زمین‌مانده‌ای بودند که نیاز بود مورد توجه قرار گیرند و در این زمینه‌ها کوشش‌های شایسته دیگری صورت گیرد. جایگاه این تألیف و مؤلف

این کتاب برای نخستین بار معیارهایی را که با بهره‌گیری از آن می‌توان اعتبار منابع حدیثی شیعه را سنجید، شناسایی و تحلیل کرده و راهکارهایی برای جمع‌بندی ملاک‌ها ارائه نموده است. کتاب حاضر، هم از نگاه نظری و هم تطبیقی، بحق یکی از منابع بسیار خوب و شایسته توجه و شایان استفاده محسوب می‌شود.

با وجود این، به مصداق «کم ترک الاولون للآخرین»، مسیر «اعتبارسنجی منابع حدیثی» هنوز کوشش‌ها و پژوهش‌های بسیاری می‌طلبد که خداوند به نویسندگان و دیگر پژوهشگران بزرگوار و پراخلاص توفیق عطا فرماید.

بسی مایه شکرگزاری به درگاه خداوند «موفق مُعین» است که مؤلف و محقق عزیز و برجسته این اثر گران سنگ و بی‌نظیر در نوع خود، یعنی قرة العین و نور دیده این ناچیز، جناب مستطاب حجت الاسلام والمسلمین آقای محمد مهدی احسانی‌فر -دامت معالیه- علاوه بر جایگاه علمی‌اش در تفسیر و فقه و اصول و علوم عربیّت، بحق از اساتید ممتاز، جامع

و کم‌مثال، با ذوقی متعادل و سرشار و پراخلاص در حدیث پژوهشی محسوب می‌شوند.^۱ البته با شناخت دقیق - و حاصل از سالیانی طولانی، به طول عمر ایشان - در ذکر ویژگی‌ها و اوصاف برشمرده برای ایشان دقت داشتم که هیچ مبالغه‌ای نداشته باشم.

از خدای متعال برای این مؤلف محقق و گران‌سنگ عمری بلند و پرعافیت، توفیقات روزافزون، خلق آثار علمی عظیم و برکات وجودی عمیم و خدمت هرچه بیشتر و کامل‌تر و مالا مال از اخلاص به دین و دانش و علوم و معارف اهل بیت وحی و عصمت و رسالت - صلوات الله علیهم - عطا فرماید و عنایات حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه و ارواحنا فداه - و دیگر اولیای معصوم علیهم‌السلام را به سویش معطوف فرماید.

اللهم صلّ علی محمد وآل محمد
محمد احسانی فر لنگرودی
۵ محرم الحرام ۱۴۴۵ق/ ۱ مرداد ۱۴۰۲ش
قم مقدس

۱. ایشان فرزند برومند اخوی بزرگ و بزرگوار هستند. پدر مستورالشان ایشان، که هم حق استادی و هم حق پدری بر ذمه این ناجیز دارند، یعنی عالم مجاهد و پارسا جناب مستطاب حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج حسین احسانی فر لنگرودی نیز به رغم وجود عواملی برای ناشناخته ماندن مراتب علم و فضل و فضیلت وی، حقیقتاً در جایگاه علمی و ورعی و اعتدال در فهم کتاب و سنت، مقامی بلند و پراج دارند؛ به گونه‌ای که با اذعان به شاگردی ایشان مباهات می‌نمایم. آنچه به همه این مراتب علم و فضل و فضیلت نورانیت می‌بخشد، مراتب بالای ولایت‌پذیری معظم‌له نسبت به ولایت رسول اعظم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین و دیگر امامان اهل بیت علیهم‌السلام و ولایت فقیه است.

مقدمه

دین برنامه‌ای است عقیدتی و عملی که آفریننده حکیم، لطیف و قادر برای زندگی انسان ارائه کرده است. خوشبختی بشر در زندگی دنیا و زندگی‌های آینده در گرو دانستن و رفتار بر پایه دستورات دینی است. برای دستیابی به این برنامه که پیامبران علیهم‌السلام در اختیار بشر قرار داده‌اند، باید راهی مطمئن را پیمود. قرآن و سنت عهده‌دار رساندن و تبیین دین هستند. قرآن به خاطر اعجاز و تواتر، راهی مورد اعتماد است که انتساب آن به خدا و پیامبر قطعی است. غیر معصومان نمی‌توانند همه چیز را از قرآن بفهمند؛ از این رو افزون بر قرآن به سراغ سنت می‌روند که مبین کتاب و از منابع احکام شرعی است.^۱ اکنون باید به دنبال راه‌های مطمئنی برای دستیابی به سنت بود. منابع حدیثی مدعی رساندن سنت هستند، اما متون گزارشگر سنت باید به درجه حجیت برسد تا قابلیت اعتقاد (هرچند نسبی) را داشته و عمل به آن ادای تکلیف و راهی مطمئن به سوی رشد باشد. وثوق حجیت می‌آورد؛ زیرا عرف عقلا به گزاره‌های مفید وثوق بسنده کرده‌اند و این اکتفا مورد تقریر و حتی توصیه نسبی شارع قرار گرفته است.^۲ بنابراین برای تحصیل حجیت متون منسوب به معصومان علیهم‌السلام باید وثوق به صدور این متون از ایشان حاصل شود.

۱. «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رَجَالًا نُوحِيَ إِلَيْهِمْ فَسَلُّوا أَهْلَ الدِّكْرِ أَنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ۖ بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (سوره نحل، آیات ۴۳-۴۴)؛ «وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهَدَىٰ وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ» (سوره نحل، آیه ۸۹)؛ نیز ر.ک: داوری، اصول علم الرجال، ج ۱، ص ۲۳.

۲. حجیت خبر ثقه نیز از باب توسعه حجیت وثوق است؛ ر.ک: کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۲۹، ح ۱؛ شیخ طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۲۸، ح ۶۲۰، ص ۷۸۴، ح ۹۳۵ و ص ۸۱۶، ح ۱۰۲۰.

الف) شناخت موضوع

برای رسیدن به وثوق و حجیت روایات منسوب به معصومان علیهم‌السلام از سه ابزار استفاده می‌شود: منبع، سند و متن.^۱ همه روایات منسوب به معصومان علیهم‌السلام از اعتبار یکسانی برخوردار نیستند، بلکه تفاوت در منبع، سند و متن موجب تفاوت در اعتبار می‌شود. این اعتبار از میزان آسیب‌های متوجه هر حدیث نیز تأثیر می‌پذیرد. برای تحصیل وثوق به صدور روایت از معصوم و رسیدن به ما با کمترین آفت، باید حدیث را ارزش‌گذاری کرد. سیره عقلا هم بر همین روش استوار است. آنها از راه‌های مختلف به ارزش‌گذاری اخبار افراد و منابع پرداخته و میان خبر فرد دقیق و مورد اعتماد با خبر دیگران و نیز میان خبری که از منابع معتبر گرفته‌اند با اخبار دیگر منابع فرق می‌گذارند. حتی در رسیدن به وثوق، تناسب محتوا و منبع را در نظر گرفته و محتواهای زیربنایی و فرهنگ‌ساز را از قوی‌ترین منابع (از لحاظ کیفی یا کمی) اخذ می‌کنند. در برابر، هرچه اهمیت موضوعی کم شود، سخت‌گیری نسبت به اخبار آن نیز کاهش می‌یابد و این کاهش سخت‌گیری خود را در بهره‌گیری از منابع نشان می‌دهد. یعنی می‌توان محتواهایی که اهمیت کمتری دارد را از منابع با اعتبار کمتر اخذ کرد. «تسامح در ادله سنن» در گستره دلالتی خود می‌تواند اشاره‌ای به این نکته عقلایی هم داشته باشد.^۲

وثوق به منابعی که متون روایی را منتقل می‌کنند یکی از راه‌های احراز حجیت روایت است. هرچه منبع قوی‌تر باشد، اعتماد به احادیث درون آن بیشتر شده، قابلیت توجه بیشتری را از ناحیه متشرعان و محققان خواهد داشت. برای شناسایی قوت‌ها و ضعف‌های منبع باید ملاک‌هایی را تعریف کرد. تحقیق کنونی درصدد رسیدن به شناختی نو از معیارهای توثیق و تضعیف مصدر به عنوان یکی از محورهای ارزیابی حدیث است.

ب) پرسش‌ها و فرضیه‌ها

پرسش اصلی تحقیق حاضر این است که با چه ملاک‌هایی می‌توان منابع حدیث شیعه را ارزیابی کرد. برای پاسخ به این پرسش، سؤالات دیگری نیز طراحی شده که عبارت‌اند از:

۱. گاهی حدیث ثقه غیر موثق الصدور نیز با لحاظ شرایطی حجت است. اکنون این موضوع خارج از بحث است.

۲. ر.ک: احسانی‌فر، «نظریه توسعه تعبدی سیره عقلا در حجیت خبر واحد»، علوم حدیث، سراسر متن.

اول: چه نیازی به اعتبارسنجی منابع حدیثی داریم؟

دوم: از چه معیارهایی برای اعتبارسنجی منابع حدیثی می‌توان بهره گرفت؟ چرا؟

سوم: آیا این ملاک‌ها قابل رتبه‌بندی است؟ چگونه؟

چهارم: جمع‌بندی ملاک‌ها، به‌ویژه در موارد تعارض، چگونه است؟

فرضیات این پژوهش بر پایه صدها ساعت مطالعه نخستین استوار است. در این مطالعات، نیاز به اعتبارسنجی منابع حدیثی در راستای نیاز به اعتبارسنجی حدیث قلمداد شده و سیره دانشمندان در این زمینه مستند قرار گرفته است. همچنین وجود ۱۵۰ معیار کوچک و بزرگ اکتشافی در این عرصه نشان‌دهنده ضرورت و چگونگی اعتبارسنجی است. برای رتبه‌بندی ملاک‌ها و جمع‌بندی آن، به‌ویژه در موارد تعارض، نیز مهندسی معکوس رفتار حدیثی علمای شیعه کارگشا است.

ج) ضرورت و هدف

کمی‌سازی پژوهش‌های علوم انسانی توصیف پدیده‌ها را قابل درک‌تر و تحلیل آن را دقیق‌تر می‌کند. این مسیر نیازمند حرکتی متوازن (نه تُند و نه کُند) است؛ پیمایشی که اقتضائات دانش‌های این حوزه را در نظر گرفته، گام‌هایی استوار و پایدار بردارد. در این میان، تحقیقات قرآنی و حدیثی حساسیت بیشتری دارد؛ چراکه موضوع آن امری مقدس است. ابزاری که بتواند پژوهش‌های عرصه کتاب و سنت را قابل درک‌تر و دقیق‌تر نماید، باید خود از دقت بالایی برخوردار و آزمایش شده باشد. این دغدغه همواره نسبت به دانش‌های اسلامی وجود داشته که آیا تحقیق انجام‌شده درخور موضوع و گزاره‌های منسوب به قدسیّت است یا نه؟ بخشی از دانش‌های قرآنی و حدیثی با همین دغدغه شکل گرفت.

امروزه «درک‌پذیری» و «تکرارپذیری» دو مفهومی است که نیاز به آن در عرصه فعالیت‌های حدیثی شیعه بیش از گذشته دیده می‌شود. حدیث امری منسوب به معصومان علیهم‌السلام است؛ ازاین‌رو درک‌پذیری آن اهمیتی فراتر از موضوعات و گزاره‌های دیگر دارد، چراکه بر پایه اعتقادات شیعه (و در نگاهی گسترده‌تر، مسلمانان)، خوش‌بختی دنیا و آخرت انسان در

گرو عمل به آن است. شاید بتوان حدیث مشهور «لَوْ عَلِمُوا النَّاسَ مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَا تَبْعُونَا»^۱ را تأییدی بر لزوم درک‌پذیری حدیث دانست. این مفهوم بازه‌ای را از «اعتبارسنجی» تا «فهم کاربردی» در بر می‌گیرد.

اگر مخاطب توان درک اعتبار حدیث را نداشته باشد، دلیلی برای پایبندی به آن ندارد. در حقیقت، شیعه به «فرمایش» (و در نگاهی گسترده‌تر، رفتار) اهل بیت علیهم‌السلام اعتقاد دارد، نه به هر چیزی که مدعی حدیث بودن است؛ از این رو ابتدا باید با ملاک‌هایی روشن، انتساب حدیث را به معصوم ثابت کرد، سپس در پی مراحل دیگر برای تبدیل آن به قواعد زندگی رفت. برای اثبات این انتساب، دانشمندان شیعه از ابزار مختلفی بهره گرفته‌اند. این ابزار مجموعه‌ای از امور کمّی و کیفی را شامل می‌شود که گاهی به صورت مستقل توصیف و نگاشته شده و دانشی همچون رجال را شکل داده و گاهی با اعتماد به حافظه و روش دانی محدثان دیگر و با تکیه بر آموزش‌های چهره به چهره شفاهی به سطرنگاری نرسیده است. رجال (فارغ از دانش فهرست)، از گذشته دور، مهم‌ترین مأموریت خویش را اعتبارسنجی سند حدیث و راویان آن قرار داد. این روش به شیوه‌های محسوس و کمّی نزدیک است، اما این دانش به‌تنهایی برای سنجش اعتبار حدیث کافی نیست. متن حدیث و منبع آن نیز به توجه و تحلیل نیاز دارد. محدثان بزرگ شیعه همواره از ابزاری برای پژوهش‌های توصیفی و تحلیلی درباره منابع و متون حدیث بهره برده‌اند.

دانش اعتبارسنجی منابع حدیثی از قبیل علومی است که نقش ابزار را در سنجش اعتبار حدیث داشته و همواره به صورت چهره به چهره منتقل شده است. این روش با مهندسی معکوس رفتار محدثان بزرگ قابل کشف و بازیابی است و می‌توان سازمانی از معیارها را برای اعتبارسنجی منابع حدیثی شکل داد. چنین پروژه‌ای برای درک‌پذیری و تکرارپذیری پژوهش‌های حدیثی در حوزه اعتبارسنجی منابع است و می‌تواند دقت نتایج را بیشتر کرده، آن را قابل دفاع سازد.

هدف این پژوهش ارائه تفصیلی ملاک‌های اعتبارسنجی منابع حدیثی شیعه با نیت

۱. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، ج ۱، ص ۲۷۵، ح ۶۹.

تأمین یکی از مقومات وثوق به روایات است. ضرورت این تحقیق با در نظر گرفتن نقش منبع در اعتبار حدیث روشن می‌شود. وقتی در سیره محدثان و علمای شیعه اعتبار حدیثی که از الکافی نقل می‌شود، بسی بیش از روایتی است که از مشارق انوار الیقین اخذ می‌گردد و این تفاوت در متون مأخوذ از منابع مختلف مشاهده می‌شود، شناسایی چرایی این فرق و ملاک‌های آن ضروری است. همچنین ارزش‌گذاری منابع در نظام فکری جامعه علمی و عمومی اثرگذار است. برخی از منابع صلاحیت دارند تا پایه تدوین نظام فکری و عملی شیعه قرار گیرند و برخی دیگر در این رتبه نیستند.^۱

(د) پیشینه و نوآوری

عالمان دوره قدما به نقش منبع در اعتبار حدیث توجه بسیاری داشتند. نسخه‌های اصیل منابع در دسترس آنها بود و سنجش اعتبار آن بسی آسان‌تر از امروز. بررسی مقدمه‌ها و خاتمه‌های کتب حدیثی، مطالعه سخنان دانشمندان شیعی در علت‌های اعتبار و عدم اعتبار روایات و نگاهی به رفتار حدیثی عالمان گویای آن است که اعتبارسنجی منابع حدیثی امری رایج در میان آنها بوده و برای این کار معیارهای روشنی داشتند. آنها ملاک‌های اعتبارسنجی منابع حدیثی را به صورت دانشی شفاهی در اختیار داشته، از استاد به شاگرد منتقل می‌کردند. این آموزش همانند رودخانه‌ای جاری همواره جریان داشت و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شد. نگاهی به مقدمه کتاب الکافی و من لا یحضره الفقیه گویای این نکته است که در دورانی، اعتبارسنجی منبع مهم‌ترین راه برای سنجش اعتبار حدیث بود.

با وجود این توجهات عملی، کتابی نظری و مستقل درباره شناخت این ملاک‌ها به دست ما نرسیده است. شاید برخی از منابعی که می‌توانست نشان‌دهنده پشته‌های نظری اعتبارسنجی منابع حدیثی باشد، در کتاب سوزی‌ها و... از میان رفته باشد. کتابخانه‌های شیخ طوسی، سید بن طاووس و برخی کتابخانه‌ها و منابع دیگر می‌توانست حاوی اطلاعاتی درباره سیره علما در اعتبارسنجی منابع حدیثی باشد که اکنون در دسترس ما نیست.^۲

۱. ر.ک: بخش نخست کتاب، فصل دوم، قسمت ب، ش ۵.

۲. ر.ک: حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳۰، ص ۲۱۳.

منابع کنونی ما در این تحقیق که به گونه‌ای پیشینه پژوهش محسوب می‌شود، شامل هفت گروه است:

گروه نخست: مقدمه و خاتمه کتاب‌های حدیثی که در برخی از آنها منابع کتاب معرفی و در حین تعریف، به قوّت‌ها و ضعف‌های آن اشاره شده است. با جمع‌آوری این اشارات می‌توان به مجموعه‌ای از ملاک‌ها دست یافت. برای نمونه جلد نخست بحار الانوار، خاتمه وسائل الشیعه و خاتمه مستدرک الوسائل منابعی ارزشمند برای این کار است.

گروه دوم: کتاب‌های فهرست قدما که در آن به ویژگی‌های کتب فهرست شده نیز اشاره‌ای کرده‌اند. فهرست‌های نجاشی و شیخ طوسی مهم‌ترین منابع این گروه است. البته فهرست‌های سنی نویس مانند فهرست ابن‌ندیم نیز قابل بهره‌برداری است.

گروه سوم: مشیخه‌ها که گاهی در آن به معرفی کتاب‌های مشایخ و ویژگی‌های آن پرداخته‌اند. مشیخه شیخ صدوق و مشیخه شیخ طوسی مهم‌ترین آثار این گروه را شکل می‌دهد.

گروه چهارم: ثبت‌نگاری‌ها و مسندنگاری‌ها است. مقصود از ثبت‌نگاری، سلسله‌آسنادی است که به یک منبع یا راوی منتهی می‌شوند و گردآوری و مقایسه آنها با یکدیگر می‌تواند گزاره‌هایی را درباره نسخه‌ها و طرق نقل به دست دهد. مراد از مسندنگاری، مجموعه روایاتی است که یک نفر نقل کرده یا در طریق نقل آن روایت واقع شده است. گاهی همراه با مسانید، طرق و نُسخه‌های راوی نیز معرفی یا گزارش‌هایی -هرچند کوتاه- در طرق نقل حدیث مشاهده می‌شود. از طرق و ویژگی‌های نُسخ و نیز گزارش‌های موردی موجود در طرق می‌توان به اطلاعاتی در موضوع این پژوهش دست یافت. مسندنگاری بیشتر در میان اهل سنت رواج داشته و در میان شیعه مسانید کمتری وجود دارد؛ مثلاً می‌توان به صحیفه الرضا علیه السلام اشاره کرد.

گروه پنجم: اجازات که در آن اسامی کتاب‌ها مطرح شده و گاهی در ضمن اجازه، معیارهای قوّت و ضعف برخی از کتب مطرح می‌گردد. مجلّات اجازات بحار الانوار نمونه خوبی برای این گروه است.

گروه ششم: مباحث صاحب‌نظران معاصر همچون آیت الله شبیری زنجانی و آیت الله

مددی در دروس خارج، نشست‌ها، مصاحبه‌ها و جلسات علمی غیر رسمی است. گروه هفتم: کتاب‌شناسی‌هایی است که درباره یک یا چند کتاب نگاشته شده است. سعد السعود نمونه‌ای از یک کتاب‌شناسی قدیمی است. راهنمای کتب اربعه از آیت الله محمد مظفری (م ۱۴۲۳ق)، چهار کتاب اصلی علم رجال از آیت الله خامنه‌ای، آشنایی با بحار الانوار از آیت الله احمد عابدی، فرهنگ کتب حدیثی شیعه از حجت الاسلام والمسلمین سید محمود مدنی بجستانی و اصول علم الرجال از آیت الله داوری نمونه‌هایی از کتاب‌شناسی‌های امروزیین یا نگاشته‌هایی است که مشتمل بر مباحث مهمی در کتاب‌شناسی است. در اهل سنت نیز معجم المصنفات الواردة فی فتح الباری از مشهور بن حسن آل سلمان رائد بن صبری و نیز الرسالة المستطرفة لبيان مشهور کتب السنّة المشرفة از محمد بن جعفر الکتانی نمونه‌های امروزیین و قابل استفاده هستند.

هیچ‌کدام از منابع یادشده به طور مستقل و جامع به موضوع ملاک‌های اعتبارسنجی منابع حدیثی پرداخته‌اند، بلکه به طور ضمنی یا به مناسبت، قوت‌ها و ضعف‌های برخی از منابع را متذکر شده‌اند. نشست «ملاک‌های اعتبارسنجی منابع حدیثی» در پژوهشکده علوم و معارف حدیث هم در مجموع سه جلسه بود که در آن حدود پانزده معیار مطرح شد، ولی مستندات آن به بحث گذاشته نشد.

بنابراین جای کاری مستقل در این عرصه خالی است. پژوهش حاضر نخستین اثر مستقل و نسبتاً جامع برای شناسایی ملاک‌های اعتبارسنجی منابع حدیثی شیعه، چرایی نیاز به این ملاک‌ها و چگونگی بهره‌برداری از آن است. در این تحقیق نوآوری‌های جزئی نیز وجود دارد که در بخش نخست، فصل دوم، قسمت ج به آن می‌پردازیم.

هـ) مشکلات و محدودیت‌ها

پروژه حاضر، همانند بسیاری از پژوهش‌ها، محدودیت‌ها و موانعی در راه خود داشت. شناخت این محدودیت‌ها از آن جهت اهمیت دارد که پژوهشگران دیگر می‌توانند پس از رفع هر یک از موانع به برداشتن گام‌های بعدی این تحقیق و ارتقای آن اقدام نمایند.

یکی از محدودیت‌های این پژوهش نبودن منبعی مستقل درباره موضوع اعتبارسنجی منابع

حدیث - حتی در حد یک مقاله یا فصلی از یک کتاب - است؛ چراکه تاکنون هرچه درباره «اعتبارسنجی» نگاشته شده، اعتبارسنجی حدیث را منظور داشته و در این مسیر یا به کار سندی محض اکتفا کرده یا سند را به همراه منبع، بدون تفکیک ملاک‌ها، در نظر گرفته است.

مشکل دیگر که در ادامه مشکل قبلی قابل بیان است، نبودن الگویی مناسب برای چینش مطالب است. تازگی نسبی موضوع و وجود نداشتن مباحث عمیق و دقیق مستقل و مکفی درباره آن موجب شد تا نظامی برای ساماندهی مطالب وجود نداشته باشد. در صورت وجود چنین ساختاری، پژوهشگر می‌تواند به ارتقای آن اقدام کرده، وقت خود را صرف امور دیگر پژوهش نماید. ولی هنگامی که چنین الگویی تولید نشده باشد، زمانی قابل توجه به تولید ساختاری قابل استفاده و دفاع اختصاص می‌یابد؛ امری که در این پژوهش روی داد.

کتابخانه دار الحدیث منابعی بسیار مفید را به آسانی و بی‌مُت در اختیار نگارنده قرار داد، ولی این کتابخانه تنها در حوزه حدیث مرکزی مهم و بزرگ محسوب می‌شود. برخی از منابعی که شاید برای این تحقیق قابل استفاده بودند، مربوط به نگاشته‌های باستان‌شناسی و نیز نسخه‌پژوهی‌های عرصه‌های دیگر دانش (غیر از علوم اسلامی) است که دسترسی به آن به جهت محدودیت‌های مالی امکان‌پذیر نشد.

به فهرست یادشده، باید محدودیت‌های علمی نگارنده را نیز افزود.

و) نتایج علمی و عملی

تحقیق حاضر می‌تواند به احیای روش قدما در اعتبارسنجی منابع حدیثی با در نظر گرفتن پشتوانه‌های علمی و نیز در نظر داشتن دلایل کاهش نقش آن پردازد و سیره قدما را با توجه به داشته‌ها و نیاز امروز، بازسازی و روشمند نماید. مسیر اعتبارسنجی حدیث نزد قدما با نگاهی به یافته‌های این تحقیق روشن‌تر می‌شود. همچنین یافته‌های این پژوهش می‌تواند به عنوان بخشی از مبادی بحث در پژوهش‌های حدیثی کاربرد داشته باشد. زمینه‌سازی برای شناخت معیارهای اعتبارسنجی منابع حدیثی اهل سنت و فرقه‌های اسلامی از دیگر بهره‌های این پروژه است.

از نتایج عملی این تحقیق می‌توان به سامان‌مند کردن اعتبارسنجی منابع حدیثی شیعه اشاره کرد. نویسندگان این سطور پس از نگارش پایان‌نامه، همه منابع حدیثی شیعه (حدود ۲۹۰ منبع) را بر اساس ۱۵۰ معیار معرفی شده در این اثر، اعتبارسنجی کرده است. پژوهش حاضر با تغییراتی، قابلیت تبدیل به متن آموزشی رشته‌های مرتبط با حدیث در حوزه و دانشگاه را خواهد داشت. همچنین به عنوان کتاب پشتیبان برای رشته‌های حدیثی قابل استفاده است. از سوی دیگر، حدیث پژوهان می‌توانند با بهره‌گیری از داده‌های این پژوهش به اعتبارسنجی منابع حدیثی پردازند و متن پژوهان حدیثی از این اثر برای ارتقای پژوهش‌های متن‌محور بهره‌گیرند.

ز) روش پژوهش و نگارش

این پژوهش بر پایه مهندسی معکوس نگاشته‌های حدیثی پیشینیان استوار است. از لابه‌لای سخنان و تحلیل رفتار آنان می‌توان گزاره‌هایی را در موضوع تحقیق به دست آورد. در پژوهش کنونی ابتدا منابع یادشده در قسمت «پیشینه پژوهش» مورد بررسی دقیق قرار گرفتند و گزاره‌های مستقیم و غیر مستقیم آنها استخراج شد. سپس این گزاره‌ها در قالب سازمانی منسجم که همان طرح پژوهش باشد، درآمد. آنگاه ذیل هر عنوان، گزاره‌ها نسبت به یکدیگر مکان‌یابی شدند و سامان یافتند. سپس ارتباط میان گزاره‌ها مورد تحلیل قرار گرفت و نتیجه آن به صورت خلاصه نگاشته شد.

پژوهش حاضر بیشتر بر پایه کشف معیارها استوار است تا تولید آنها. معیارهای کشف شده مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته‌اند و امکان تفصیل و تفریع دارند.

نمونه‌های ذکرشده برای هر ملاک زمینه را برای تحلیل بهتر و اقناع علمی مخاطب فراهم می‌کند. در این کتاب حدود هفتصد نمونه به صورت مستقیم آمده و به همین تعداد نیز ارجاع داده شده که در نوع خود قابل توجه است.

این پژوهش از داده‌های عقلی برای تحلیل ملاک‌ها، از داده‌های تجربی برای کشف و معرفی و تحلیل ملاک‌ها، از داده‌های نقلی و حیانی برای استحکام بخشی برخی از مطالب و

از داده‌های نقلی تاریخی برای کشف و معرفی و تحلیل ملاک‌ها بهره برده است.

پردازش داده‌ها با تلفیق روش توصیفی و تحلیلی انجام شده است.

منابع این تحقیق کتابخانه‌ای بوده، از منابع چاپی، نرم‌افزارهای علمی و سایت‌های اینترنتی برای فیش برداری استفاده شد؛ به‌ویژه از نرم‌افزار مکتبه اهل البيت عليه السلام بهره بسیاری برده شد. با توجه به در دسترس بودن همه کتاب‌های حدیثی شیعه در کتابخانه دار الحدیث، به نسخه نرم‌افزار اکتفا نشد و مستقلاً نسخه‌های چاپی نیز مورد بررسی قرار گرفت. در حقیقت، نرم‌افزار کار جست‌وجو و یافتن سر نخ‌ها را آسان کرد و پژوهش به صورت دستی و در کتابخانه انجام شد. دایره مطالعات به کتاب‌های حدیثی محدود نشد، بلکه منابع تاریخی، فقهی، تفسیری، جغرافیایی، تراجم، انساب و فهرس نیز مورد مراجعه مستمر قرار گرفت. بیشتر -نزدیک به همه- کتاب‌هایی را که در متن از آنها نام برده‌ام، مطالعه و به آنها مراجعه کردم، ولی در بسیاری از اوقات، چون تحلیل مورد نظرم را در کتابی دیگر دیدم، نام آن کتاب را در پاورقی ذکر کردم. مثلاً گاهی تحلیلی درباره الايضاح فضل بن شاذان را در کتابی دیدم و با اینکه خود با مراجعه به الايضاح به همان تحلیل رسیدم، به آن کتاب دیگر ارجاع داده‌ام. هدفم این بوده که نشان دهم در این تحلیل تنها نیستم و دیگران نیز همین سخن یا شبیه آن را گفته‌اند.

بخش نخست پژوهش حاضر بنیادی است و پشتوانه‌های نظری اعتبارسنجی منابع حدیثی را تأمین می‌کند. در این بخش، پس از آنکه تعریفی واقعی از «منبع حدیثی» ارائه می‌شود و تعریف «حدیث» ارتقا می‌یابد، به چرایی «منبع‌سنجی» به عنوان ابزاری برای «حدیث‌پژوهی» می‌پردازیم. تا زمانی که در جامعه علمی، ضرورت امری به روشنی احساس نشود، حرکت به سمت آن کند خواهد بود. این بخش با بیان ضرورت‌ها، اهداف و بهره‌های پژوهش درصدد است تا اثبات نماید که عملیات «منبع‌سنجی» به صرفه بوده، آورده‌های مختلف و پرسودی برای اهالی دانش حدیث خواهد داشت.

بخش دوم این پژوهش توسعه‌ای است و به گسترش ابعاد دانش حدیث در عرصه اعتبارسنجی منابع منتهی می‌شود. این تحقیق با ارائه اطلاعاتی جدید که تاکنون کشف یا

به شکل حاضر ارائه نشده بود، مرزهای دانش را در موضوع خود فراتر می‌برد.

بخش سوم این پژوهش نیز توسعه‌ای است. رتبه‌بندی ملاک‌ها گزاره‌ای جدید است که پیش‌تر ارائه نشده بود؛ از این رو این بخش مرزهای دانش حدیث را گسترش می‌دهد. با بهره‌گیری از داده‌های بخش سوم می‌توان همه منابع حدیثی شیعه را رتبه‌بندی کرد. حتی می‌توان از این ملاک‌ها برای رتبه‌بندی منابع حدیثی اهل سنت نیز بهره گرفت؛ ولی پیش از آن، متناسب‌سازی معیارها و رتبه‌بندی آن با فضای تاریخی و حدیثی اهل سنت ضروری است. با معیارهای ارائه شده و نظام معرفی شده در رتبه‌بندی آن، پس از اجرای تغییراتی متناسب، می‌توان منابع غیر حدیثی را نیز اعتبارسنجی کرد. در واقع، این خدمتی از ناحیه علوم حدیث به دانش‌های دیگر خواهد بود.

با توجه به پیشینه و برنامه جاری نگارنده در مطالعات و مباحثات اصولی و فقهی، تلاش شده تا در همه پژوهش از نگاه اصولی استفاده شود. همچنین توجه به تاریخ حدیث دوران معصومان علیهم‌السلام و پس از آن، توجه به فرهنگ حدیثی شیعه به عنوان ماهیتی مستقل از فرهنگ حدیثی اهل سنت، توجه به دانش نسخه‌پژوهی، توجه به دانش‌های مختلف حدیثی به‌ویژه رجال و حوزه‌ها و مکاتب حدیثی، نگاه ویژه به جوامع حدیثی مانند بحار الانوار، وسائل الشیعه و مستدرک الوسائل، توجه به اندیشه و گفتارهای اصولیانی که با اخباریان تقابل منطقی داشتند همانند مرحوم وحید بهبهانی (م ۱۱۷۰ق) و توجه به اندیشه‌های مرحوم شهید صدر (م ۱۳۵۹ش)، به‌ویژه در موضوع «حساب احتمالات»، از ویژگی‌های این پژوهش است.

ح) ساختار پژوهش

این تحقیق از سه بخش تشکیل شده است. بخش نخست با عنوان سرآغاز و زیرساخت‌ها به مبادی و مبانی بحث پرداخته و شامل این فصل‌ها است:

فصل اول: بازشناسی مفاهیم؛ در این فصل واژه‌های منبع، حدیث و شیعه که در عنوان کتاب به کار رفته، شناسایی شده و نسبت به واژه «منبع» کار مفصلی صورت گرفته و نوآوری‌هایی دارد.

فصل دوم: چرایی و بهره‌ها؛ در این فصل ضرورت‌های پژوهش به طور مفصل بررسی شده، سپس اهداف آن بر اساس ضرورت‌های تبیین‌شده معرفی می‌شود. پس از آن به بهره‌های جانبی تحقیق پرداخته می‌شود.

فصل سوم: جایگاه منبع در اعتبارسنجی حدیث؛ در این فصل تقدم تاریخی رکن منبع در اعتبارسنجی حدیث اثبات شده و چرایی کمرنگ شدن آن با وجود اهتمام علما به جایگاه منبع مورد بحث قرار گرفته است. سپس به نقش متن در اعتبارسنجی حدیث و رابطه آن با منبع پرداخته شده، در پایان نیاز امروزی به «منبع‌سنجی حدیث» مطرح می‌شود.

بخش دوم با عنوان ملاک‌های اعتبارسنجی منابع حدیث شیعه شامل این فصل‌ها است: فصل اول: ملاک‌های کتاب‌پایه؛ در این فصل معیارهایی که جزو ویژگی‌های شناسه‌ای کتاب است مانند قدمت، شهرت و هویت کتاب، مورد توجه قرار گرفته است.

فصل دوم: ملاک‌های مؤلف‌پایه؛ در این فصل معیارهایی که شناسه مؤلف محسوب می‌شود مانند جایگاه و شئونات علمی، اهتمام به کتاب و محیط زندگی، مورد بحث قرار گرفته است.

فصل سوم: ملاک‌های متن‌پایه؛ در این فصل از معیارهایی که به متن اعتبار می‌بخشد یا آن را تضعیف می‌کند، مانند موافقت با عقل، همخوانی با مسلمات مذهب و مؤیدات متنی صحبت شده است.

بخش سوم با عنوان ارزش‌گذاری ملاک‌ها شامل این فصل‌ها است:

فصل اول: نیاز ملاک‌ها به ارزش‌گذاری؛ در این فصل ضرورت‌های رتبه‌بندی ملاک‌ها تبیین شده است. تفاوت منابع در دارا بودن معیارها، تعارض ملاک‌ها و ناهمگونی ملاک‌ها بخشی از این ضرورت‌ها است.

فصل دوم: رتبه‌دهی و شیوه جمع‌بندی ملاک‌ها؛ در این فصل ملاک‌ها رتبه‌بندی می‌شوند و چرایی آن تبیین می‌گردد. همچنین برای رتبه‌بندی، چند روش مطرح شده و روش برابندگیری توضیح داده می‌شود.

در پایان پژوهش، نتیجه‌گیری و پیشنهادهایی برای گام‌های پسین آمده است.